

بررسی تطبیقی وضعیت معاملات نماینده قراردادی با سوءنیت در نظام حقوقی ایران و فرانسه

عباس کریمی *

فاطمه بازوکار **

DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2025.2040726.2240>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹]

چکیده

انعقاد قرارداد نمایندگی، برای هریک از طرفین این قرارداد، حقوق و تکالیفی را ایجاد می‌نماید که از جمله این تکالیف برای نماینده، عدم سوءنیت و عدم سوءاستفاده در معاملاتی است که برای اصیل منعقد می‌کند. گاه شخص نماینده از حدود اختیارات و وظایفی که در قرارداد برای وی تعیین شده است تجاوز نمی‌کند، اما با سوءنیت و سوءاستفاده از حقی که به موجب قرارداد نمایندگی به وی اعطا شده است، معاملات را به گونه‌ای منعقد می‌نماید که مصلحت اصیل رعایت نمی‌گردد. برخلاف نظام حقوقی فرانسه که در فرض آگاهی ثالث طرف معامله از سوءنیت نماینده، حق استناد به بطلان را برای اصیل در نظر می‌گیرد، نظام حقوقی ایران در خصوص حکم چنین معاملاتی سکوت اختیار کرده است. اما با توجه به مبانی فقهی و حقوقی، حکم به عدم نفوذ این قبیل معاملات، با استناد به قاعده لاضرر یا منع سوءاستفاده از حق وجهه‌تر به نظر می‌رسد، مگر در مواردی که ظهور نوعی، عمل حقوقی صورت گرفته را تصحیح نماید.

واژگان کلیدی: نماینده قراردادی؛ سوءنیت؛ وضعیت معاملات؛ قاعده لاضرر؛ ظهور

مصحح.

* استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: abkarimi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: bazokar.f@ut.ac.ir



۱. مقدمه

عقود موجد نمایندگی از جمله عقود هستند که نه تنها از لحاظ مباحث حقوقی، بلکه از نظر مباحث اقتصادی و اجتماعی نیز از اهمیت بسیار برخوردار هستند، به گونه‌ای که حتی بر رکورد و رونق اقتصادی به صورت مستقیم تأثیر می‌گذارند. از همین رو، مباحث حقوقی پیرامون آن نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. یکی از این مباحث، وضعیت معاملاتی است که نماینده قراردادی، با سوء نیت و سوء استفاده از حقوق قراردادی خود، آن‌ها را منعقد می‌کند. به عبارت بهتر، گاه اقدامات و معاملاتی که نماینده قراردادی انجام می‌دهد، کاملاً در حدود اختیارات اوست، اما این معاملات به گونه‌ای منعقد شده‌اند که غبطه و مصلحت موکل، از روی عمد و با سوء نیت رعایت نشده است. به عنوان مثال، اصیل به موجب قراردادی، به شخص نماینده، در خصوص فروش خانه خود به مبلغ معین وکالت داده است، حال این خانه دارای دو مشتری به همان مبلغ معین است، اما شخص نماینده، با سوء نیت، خانه را به مشتری‌ای می‌فروشد که نسبت به بد حساب بودن وی آگاه است. این بحث در نظام حقوقی فرانسه، پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶ میلادی، صریحاً ذیل عنوان نمایندگی در ماده ۱۱۵۷ قانون مدنی مورد اشاره قرار گرفت. اما در قانون مدنی ایران، تصریحی در خصوص این بحث وجود ندارد و صرفاً ماده ۶۶۷ قانون مدنی وکیل را ملزم به رعایت غبطه و مصلحت موکل در تصرفات و اقدامات خود می‌داند و به فرض‌های مختلف این بحث و حکم هر یک از این فرض‌ها اشاره‌ای نمی‌نماید. از همین رو، بررسی وضعیت و آثار معاملات نماینده قراردادی که از حدود اختیارات خویش تجاوز نمی‌نماید، اما از روی عمد و با سوء نیت مصلحت موکل را رعایت نمی‌کند، شایسته به نظر می‌رسد. بنابراین در پژوهش پیش‌رو که از دو مبحث تشکیل شده است، ابتدا در مبحث نخست، به بررسی تطبیقی حکم معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت و مبنای هر یک از احکام در حقوق ایران و فرانسه خواهیم پرداخت و سپس در مبحث دوم، آثار این معاملات را در نظام حقوقی ایران و فرانسه تبیین می‌نماییم.

۲. مبحث نخست: احکام معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت در حقوق ایران و فرانسه

بررسی قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران، برخلاف نظام حقوقی فرانسه که صریحاً به این بحث پرداخته است، نشان می‌دهد که قانون‌گذار به این موضوع اشاره‌ای نداشته و صرفاً رعایت مصلحت موکل را به عنوان یکی از حقوق موکل، بر عهده وکیل نهاده است و حتی وضعیت اعمال و معاملاتی را که بدون رعایت مصلحت منعقد شده تبیین ننموده است. از

همین رو، در مبحث اول پژوهش، به بررسی احکام معاملاتی می‌پردازیم که نماینده قراردادی با سوء نیت و سوء استفاده از حقی که به موجب عقد موجد نمایندگی از آن برخوردار شده است، آن معاملات را منعقد نموده است. از این رو، در بند نخست این مبحث، حکم بطلان و مبانی این حکم را در خصوص چنین معاملاتی امکان‌سنجی می‌نماییم و در بند دوم نیز حکم عدم نفوذ و مبانی نظری آن را مورد تبیین قرار می‌دهیم.

۱-۲. بند نخست: بطلان معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت

گرچه نه در فقه و نه در دکتین، نظر به بطلان معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت به چشم نمی‌خورد، اما این نظر چندان دور از ذهن نیست و حتی مبانی نظری و عملی وجود دارد که این فرض را تقویت نماید. هنگامی که نماینده قراردادی، با سوء نیت اقدام می‌نماید و از حقی که به موجب قرارداد نمایندگی به وی اعطا شده است سوء استفاده می‌کند، اقدامات و معاملات صورت‌گرفته، داخل در اذن اصیل نیست و شخص نماینده در این حالت، هیچ حقی جهت انعقاد معامله ندارد و همانند شخصی است که بدون داشتن حق اقدام نموده است. بنابراین در خصوص نماینده قراردادی نیز می‌توان گفت در حالتی که نماینده با سوء نیت اقدام می‌نماید و مصالح و غبطه اصیل را از روی عمد رعایت نمی‌کند، اصلاً حق هیچ‌گونه اقدام و معامله‌ای ندارد و بنابراین اعمال صورت‌گرفته در چنین وضعیتی، به طور مطلق باطل است.

حال شاید این ایراد به ذهن خطور نماید که در معاملات فضولی که فضول هیچ‌گونه اختیار و نمایندگی از جانب اصیل ندارد، قانون صراحتاً این معاملات را غیر نافذ دانسته، پس چگونه می‌توان بیان کرد که معاملات فردی که نمایندگی داشته و صرفاً با سوء نیت عمل نموده باطل است؟ در پاسخ به این سؤال، ابتدا باید گفت نه تنها بطلان معاملات فضولی در فقه طرفدارانی دارد،^۱ بلکه ادله مطرح‌شده از جانب این گروه قوی و قابل دفاع است. بنابراین دفاع از بطلان معاملات فضولی خالی از وجه نیست. از طرف دیگر، حتی با قبول حکم عدم نفوذ برای معاملات فضولی، به نظر می‌رسد باید بین فروض مختلف آن قائل به تفصیل شویم. در نظر گرفتن حکمی یکسان برای حالتی که شخص فضول با سوء نیت و علم به عدم رضایت

۱. شیخ طوسی در مبسوط و خلاف عقد فضولی را باطل می‌داند. البته به تعبیر صحیح‌تر، در کتاب خلاف، بیع را باطل و شراء فضولی را صحیح می‌داند. محمدبن حسن طوسی، مبسوط، جلد ۲ (تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۸۷ ه.ق.) ۳۹۷-۳۹۲؛ محمدبن حسن طوسی، الخلاف، جلد ۳ (قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ه.ق.) ۱۶۳-۱۶۸. در هر حال، محقق اردبیلی و گروهی دیگر از فقها بیع و شراء فضولی را باطل می‌دانند. احمدبن محمد اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، جلد ۸ (قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ه.ق.) ۱۵۸.

اصیل، نسبت به انجام معامله اقدام می‌نماید، با حالتی که شخص فضول از روی حسن نیت و با ظن به رضایت اصیل، دست به انعقاد معامله می‌زند، چندان قابل دفاع نیست. مصلحت عملی نیز اقتضا دارد که بین فروض مختلف قائل به تفصیل شویم و در مواردی که شخص فضول با سوء نیت اقدام نموده، حکم به بطلان معامله نماییم، نه اینکه با حکم به عدم نفوذ، وضعیت معامله را متزلزل نگاه داشته و موجب تضییع به ثالث طرف معامله نیز شویم.

بنابراین همان‌طور که از توضیحات روشن گردید، حکم به بطلان معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت خالی از وجه نیست. گرچه به نظر می‌رسد به دلیل مصالح عملی که در این خصوص وجود دارد، نباید چندان سخت و جزمی به موضوع نگاه کرد و حکم به عدم نفوذ معامله با مصالح عملی هم‌خوانی بیشتری دارد. چه بسا با تغییر شرایط و اوضاع و احوال معامله، در نهایت، به نفع اصیل تمام شود. از طرف دیگر، مذاق قانون‌گذار با حکم عدم نفوذ هم‌خوانی بیشتری دارد.

۲-۲. بند دوم: عدم نفوذ معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت

بررسی دکترین در خصوص وضعیت و حکم معاملات نماینده با سوء نیت، نشان دهنده آن است که قریب به اتفاق حقوق‌دانان قائل به حکم عدم نفوذ موقوف هستند و در توجیه نظر خویش، چنین بیان می‌دارند که اقتضای عقد وکالت و حدود اذن موکل به وکیل آن است که وکیل همانند یک انسان متعارف و با حسن نیت کامل، دست به انعقاد معامله برای موکل خویش بزند. بنابراین در جایی که موکل از حق خود جهت انعقاد معامله سوء استفاده می‌نماید و با سوء نیت اقدام می‌کند، معامله غیرنافذ است، زیرا وکیل، نخست به مقتضای عقد وکالت که امانت است، عمل نموده و هنگام انجام معامله به مصلحت موکل و نیابت نمی‌اندیشیده و به آن عنوان تصمیم نگرفته،^۲ و دوم اینکه از حدود وکالت و اذن موکل نیز تجاوز نموده است. بنابراین در این حالت، همانند موردی که وکیل فراتر از اختیارات عمل می‌نماید، معامله غیرنافذ است و در صورت تنفیذ معامله توسط اصیل، معامله صحیح خواهد بود و در صورت رد وی، معامله باطل است.

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۲۰۴۷/۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲، عدم رعایت مصلحت موکل را چه با سوء نیت و چه بدون سوء نیت، موجب عدم نفوذ معامله دانسته و

۲. ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی (عقود معین ۲) (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۷)، ۸۹.

بررسی تطبیقی وضعیت معاملات نماینده قراردادی با ... / کریمی و بازوکار ۱۱

چنین اعلام داشته است: «۱- وکیل باید در اقدامات خود مصلحت موکل را رعایت کند. در غیر این صورت، معامله وی نافذ نیست، مگر اینکه در وکالت‌نامه خلاف این امر تصریح شده باشد. ۲- در صورت تقصیر وکیل در عدم رعایت غبطه موکل، وی (موکل) برای جبران خسارات وارد شده می‌تواند به وکیل مراجعه نماید. ۳- دعوای بطلان معامله وکیل که موکل به ادعای فضولی بودن به لحاظ عدم رعایت مصلحت وی و خارج از حدود اختیار بودن وکیل اقامه نموده، قابل استماع و رسیدگی است.»

شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور هم در دادنامه شماره ۵۸۵-۱۳۶۸/۹/۲۶ چنین رأی داده است: «چون استرداد دادخواست وکلای خواهان‌ها، با توجه به خصوصیتی که در پرونده برای طرح دعوا موجود است، در حکم استرداد دعوا می‌باشد و در صورتی که مصلحت موکل برخلاف این اقدام بوده باشد، شکی نیست که عمل وکلای مزبور شرعاً و قانوناً بی‌تأثیر و غیرنافذ و قرار صادره مبنی بر ابطال دادخواست نیز با این وصف، فاقد وجهت شرعی و قانونی است.»^۳

فقه نیز نظر دکترین و رویه را تأیید می‌نماید. در اخبار و روایاتی صریحاً این موضوع مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله آن‌ها می‌توان به روایت قاضی ابوحنیفه مصری اشاره نمود که در دعائم از امام محمد باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمودند: «هرکس در فروش چیزی به کسی وکالت دهد و او آن چیز را ارزان‌تر بفروشد، آن بیع لازم است، مگر اینکه ثابت کند که عمداً خیانت کرده. همچنین اگر در خرید چیزی به کسی وکالت دهد و گران‌تر بخرد، اگر ثابت نشود که عمداً خواسته ضرر بزند یا خیانت کرده یا به فروشنده بخشیده، آن خرید برای او نظمی (جایز) است و اگر بداند که عمداً خواسته به او ضرر بزند، آن خرید و آن فروش را رد می‌کند.»^۴ گرچه مشهور فقها از این فراتر رفته و عدم رعایت مصلحت موکل را به صورت مطلق (خواه با سوء نیت و خواه بدون سوء نیت و حتی با حسن نیت) موجب عدم نفوذ معامله دانسته‌اند.^۵

به نظر می‌رسد حکم به عدم نفوذ معاملات نماینده با سوء نیت وجهیه‌تر است، اما مسئله

۳. یدالله بازگیر، قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور (وکالت و عقد ضمان و احکام راجع به آن‌ها) (تهران: فردوسی، ۱۳۹۸)، ۸۳-۸۲.

۴. مغربی ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۳۸۵ ه.ق)، ۵۷؛ شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۲۷ (قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۳۶۲)، ۳۶۶-۳۶۷.

۵. میرزا ابوالقاسم قمی، جامع الشتات فی اجوبة السؤالات، جلد ۳ (تهران: نشر کیهان، ۱۳۷۱)، ۵۳۳-۵۳۵؛ سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، جلد ۶ (قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه.ق)، ۱۹۵-۱۹۶.

قابل بحث مبنای این حکم است. این امر که مبنای حکم عدم نفوذ را عدم رعایت اقتضای عقد وکالت و تجاوز از حدود اذن موکل بدانیم، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. درخصوص اقتضای عقد وکالت، آنچه که در فقه و حقوق مشهور است، نایب گرفتن در اعمال و اجرای امور حقوقی و مادی است، نه رعایت امانت و حسن نیت در انجام معاملات. به نظر می‌رسد انجام امور محوله از روی امانت و با حسن نیت در عقد وکالت، جزو آثار و از تکالیفی است که به موجب این عقد بر عهده وکیل نهاده می‌شود. از طرف دیگر، اگر بگوییم که این امر خلاف اقتضای ذات وکالت است، شرط خلاف آن ممکن نخواهد بود، این در حالی است که شرط خلاف مصلحت و غبطه اصیل در عقد وکالت، صحیح به نظر می‌رسد.

درخصوص مبنای تجاوز از حدود اذن موکل و فضولی بودن معامله نیز باید گفت که مواردی را می‌توان تصور نمود که هیچ تخلفی از اذن صورت نگرفته است، اما نماینده با سوء نیت عمل نموده و مصلحت اصیل را رعایت ننموده است. به عنوان مثال، نماینده‌ای که خانه موکل خود را با همان قیمت تعیینی از جانب موکل و با رعایت تمام شرایط به مشتری‌ای می‌فروشد که یقین دارد تعهدات خود را به موقع اجرا نمی‌گذارد، از حدود اذن هیچ تخلفی ننموده است. به نظر می‌رسد مبنای این حکم را می‌بایست در مبنای خارج از قرارداد نمایندگی جست‌وجو نماییم. دو مبنا در این بحث به ذهن متبادر می‌گردد:

عدم رعایت تعامل به عنوان اقتضای مطلق عقد؛

قاعده لاضرر یا منع سوء استفاده از حق.

۱. عدم رعایت تعامل به عنوان اقتضای عقد: هر عقد به خودی خود دارای دو مقتضاست: تعامل و توافق. براساس اقتضای تعامل، هریک از طرفین قرارداد باید کوشش نمایند تا طرف مقابل به هدف خود از قرارداد دست یابد. به عبارت دیگر، چه پیش از انعقاد قرارداد و در زمان مذاکرات مقدماتی و چه پس از تشکیل قرارداد و در زمان اجرای تعهدات، هریک از طرفین قرارداد می‌بایست با حسن نیت، اطلاعات لازم را در اختیار طرف مقابل قرار دهد و تعهدات و تکالیف ناشی از عقد را به موقع اجرا گذارد، تا طرفین به مقصود و هدفی که از عقد دارند دست یابند. بنابراین انجام تعهدات و تکالیف ناشی از عقد با حسن نیت، اقتضای مطلق عقد است. (تا جایی که تعامل لازم است، حسن نیت نیز لازم است.) در بحث قرارداد نمایندگی نیز نماینده در مقابل اصیل متعهد است تا با حسن نیت و رعایت مصلحت و غبطه اصیل، برخی از امور حقوقی و یا مادی اصیل را اعمال و یا اجرا نماید. پس اگر در انجام تعهدات خویش، با

بررسی تطبیقی وضعیت معاملات نماینده قراردادی با ... / کریمی و بازوکار ۱۳

سوء نیت عمل نماید و از حق خود سوء استفاده کند، به نظر می‌رسد که مقتضای عقد نادیده انگاشته شده و عدم رعایت اقتضای عقد، موجب بطلان عقد نمایندگی است. بطلان عقد نمایندگی سبب می‌گردد که نماینده اختیار خود جهت انجام امور و معاملات اصیل را از دست بدهد، بنابراین کلیه معاملات صورت گرفته از جانب وکیل، در این حالت، فضولی و غیرنافذ خواهد بود.

۲. قاعده لاضرر در نظام حقوق اسلام که قابل تطبیق با قاعده منع سوء استفاده از حق در نظام حقوق غرب است، با هدف نفی ضررهای غیرمعارفی وضع شده است که در اجرای حقوق شناخته شده برای اشخاص توسط شارع مقدس، قانون‌گذار و یا حتی قراردادهای، ممکن است متوجه دیگران گردد. نماینده قراردادی نیز به موجب عقد، حق اعمال و یا اجرای برخی از حقوق اصیل را کسب می‌نماید. حال اگر نماینده در حدود اختیارات و حقوق اعطایی عمل نموده باشد اما در اعمال این حقوق سوء استفاده نماید و یا با سوء نیت این حقوق را اعمال نماید، می‌توان با استناد به قاعده لاضرر، اصل لزوم وفا به تعهدات و قراردادهای منعقد از جانب نماینده قراردادی را که موجب تضرر به اصیل گردیده است، تعدیل نمود و حکم به عدم نفوذ این دسته از معاملات داد.^۶

در حقوق فرانسه، ماده ۱۱۵۷ قانون مدنی حکمی مشابه دارد. این ماده بیان می‌نماید: «زمانی که نماینده از اختیارات خود سوء استفاده نمایند، اگر شخص ثالث طرف قرارداد نسبت به سوء استفاده از حق علم داشته باشد و یا نمی‌توانسته که جاهل باشد، اصیل می‌تواند به بطلان استناد نماید.» ابتدا باید به این نکته اشاره نمود که منظور از بطلان در این ماده، با توجه به اینکه صرفاً یک طرف (اصیل) می‌تواند به آن استناد نماید، بطلان نسبی است که این نهاد قابل تطبیق با نهاد عدم نفوذ موقوف در حقوق ماست. بنابراین از نظر حکم معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت، می‌توان گفت حقوق ایران با حقوق فرانسه تقریباً مشابه است. اما آنچه در این ماده قابل توجه و تأمل است، آن است که ماده ۱۱۵۷ در صورتی به اصیل حق استناد به بطلان نسبی را داده است که ثالث طرف معامله نسبت به سوء استفاده نماینده آگاه بوده و یا قرائن و امارات به گونه‌ای است که اصولاً نمی‌توانسته جاهل باشد. بنابراین از مفهوم مخالف ماده چنین برداشت می‌گردد که اگر ثالث طرف قرارداد نسبت به سوء استفاده نماینده ناآگاه باشد (حال این ناآگاهی متعارف و نوعی یا شخصی، تفاوتی نمی‌کند) در این حالت معامله صحیح است و اصیل حق استناد به بطلان نسبی را نخواهد داشت. در واقع، جهت

۶. عباس کریمی و سحر کریمی، اندیشه‌هایی نو در حقوق قراردادهای (تهران: نشر دادگستر، ۱۴۰۰)، ۱۶۴.

حمایت از ثالث طرف قرارداد و حفظ حقوق وی، صرفاً اصیل هنگامی می‌تواند به بطلان نسبی استناد نماید که ثالث با آگاهی و به ضرر خود، وارد چنین معامله‌ای شده باشد.

این بحث در حقوق ما نیز با اندکی تغییرات قابل طرح است و چندان دور از ذهن نیست. اگر اوضاع و احوال هنگام انعقاد معامله به گونه‌ای باشد که برای ثالث طرف معامله، ظن نوعی و متعارف ایجاد گردد که نماینده در حدود اختیارات خویش و با حسن نیت اقدام نموده و به عنوان یک انسان متعارف نیز نمی‌توانسته نسبت به سوء نیت نماینده علم پیدا نماید و خود اصیل نیز در ایجاد این ظن نوعی مؤثر بوده باشد، این ظهور و ظن نوعی ایجاد شده معامله صورت گرفته را تصحیح می‌نماید و استناد به عدم نفوذ را منتفی می‌سازد. در این حالت، معامله نسبت به تمام طرفین صحیح است و اصیل نمی‌تواند به عدم نفوذ استناد نماید. به عبارت دیگر، گرچه حفظ حقوق اشخاص (مالک) دارای اهمیت است، اما حفظ نظم معاملات و تأمین استحکام معاملات نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است و نظر به عدم نفوذ تمامی معاملاتی که نماینده قراردادی با سوء نیت منعقد نموده، در مقابل اشخاصی که با تکیه بر ظاهر قابل اعتماد برای انسان‌های متعارف اقدام نمودند، راه‌حل مناسبی نخواهد بود.^۷

بنابراین تنها تفاوتی که در این بحث، میان نظام حقوقی ایران و فرانسه وجود دارد این است که در نظام حقوقی فرانسه، صرف جهل و عدم آگاهی ثالث طرف معامله برای صحت معامله نسبت به تمام طرفین کافی است، حتی اگر این جهل ناشی از ظن شخصی و یا جهل مرکب باشد. اما در نظام حقوقی ایران، اصل بر آن است که معاملات با سوء نیت نماینده قراردادی غیر نافذ است و اصیل حق رد یا تنفیذ آن را دارد، مگر در حالتی که ثالث طرف معامله ظن نوعی و معتبر داشته که نماینده قراردادی در حدود اختیارات خویش و با حسن نیت اقدام نموده است و خود اصیل نیز در ایجاد این ظن مؤثر باشد. در این فرض، ظهور موجود عمل حقوقی صورت گرفته را تصحیح می‌نماید و معامله نسبت به تمام طرفین صحیح خواهد بود.

۳. مبحث دوم: آثار معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت در حقوق ایران و فرانسه

در باب آثار معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت، بحث جبران ضرر و زیان‌های ناشی از این معاملات مطرح است. از همین رو، در بند نخست، جبران ضرر و زیان‌های وارده در فرض

۷. سحر کریمی، «وضعیت حقوقی معاملات مترتب بر معامله منفسخ شده: نقد رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ دیوان عالی کشور»، *دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی*، شماره ۴ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲): ۱۲۱.

بررسی تطبیقی وضعیت معاملات نماینده قراردادی با ... / کریمی و بازوکار ۱۵

اعمال قاعده ظهور مصحح را بررسی می‌نماییم و در بند دوم، جبران ضرر و زیان را در فرض غیرنافذ بودن معامله مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱-۳. بند نخست: جبران ضرر و زیان ناشی از معاملات نماینده قراردادی با سوءنیت در فرض اعمال قاعده ظهور مصحح

در جایی که معامله به واسطه ظهور مصحح اعمال حقوقی، نسبت به تمام طرفین تصحیح می‌گردد، واضح است که اولاً در فرض وجود خسارات، این خسارات صرفاً متوجه اصیل شده است، زیرا معامله صحیح است و تمام تعهدات قراردادی در مقابل ثالث طرف معامله اجرا خواهد شد. بنابراین به واسطه سوءنیت نماینده، خسارتی متوجه ثالث طرف قرارداد نشده است. ثانیاً در صورت وجود و اثبات خسارت، نماینده قراردادی صرفاً در مقابل اصیل مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود، زیرا ثالث طرف قرارداد، براساس یک ظن معتبر و نوعی که خود اصیل نیز در شکل‌گیری آن نقش داشته است اقدام نموده و در نتیجه، هیچ مبنایی جهت مراجعه به او وجود ندارد.

بنابراین در حالتی که معاملات نماینده قراردادی با سوءنیت به واسطه ظهور تصحیح می‌گردد، صرفاً ممکن است در اثر سوءنیت نماینده، خساراتی متوجه اصیل شده باشد که در این فرض، باید براساس قاعده عام ضمان قهری رفتار کرد؛ یعنی اصیل، با اثبات ورود ضرر و تقصیر نماینده، می‌تواند کلیه خساراتی را که در اثر چنین معامله‌ای متحمل گردیده است، از نماینده مطالبه نماید.

در نظام حقوقی فرانسه نیز همین بحث مطرح است. در جایی که به واسطه عدم آگاهی ثالث طرف معامله به سوءنیت نماینده، اصیل حق استناد به بطلان را ندارد، معامله نسبت به تمام طرفین صحیح و کامل است و صرفاً اصیل می‌تواند، براساس قواعد عام مسئولیت مدنی و با اثبات تقصیر و سوءنیت نماینده، جهت جبران خسارات وارده به وی مراجعه نماید.

۲-۳. بند دوم: جبران ضرر و زیان ناشی از معاملات نماینده قراردادی با سوءنیت در فرض عدم نفوذ

در فرضی که اصیل حق استناد به عدم نفوذ معامله را دارد، می‌بایست دو حالت تفریق و رد معامله را به صورت مجزا مورد بررسی قرار دهیم. در فرضی که اصیل، پس از اطلاع از معامله، آن را تفریق می‌نماید، معامله صحیح خواهد بود و تعهدات قراردادی می‌بایست از جانب اصیل

در مقابل طرف معامله انجام گیرد. البته این به معنای آن نیست که ضرر و زیانی به اصیل وارد نشده و یا تنفیذ به معنای آن است که اصیل حق مطالبه ضرر و زیان را ساقط نموده است. در این فرض نیز اصیل می‌تواند با استناد به قاعده عام ضمان قهری و با اثبات ورود ضرر و تقصیر نماینده قراردادی، خساراتی را که در اثر این معامله متحمل شده است مطالبه نماید. سؤالی که ممکن است در اینجا به ذهن متبادر گردد آن است که اگر در اثر معامله، اصیل متحمل ضرر و زیان گردیده است، پس چرا با رد معامله، این ضرر و زیان را جبران نمی‌نماید؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت، ممکن است اصیل به جهت رعایت مصلحتی معامله را تنفیذ نماید. از جانب دیگر، صرف رد معامله نمی‌تواند کلیه خسارات وارده به اصیل را جبران نماید.

حال در فرضی که اصیل معامله نماینده قراردادی با سوءنیت را رد می‌نماید، اتفاق آرای دکترین نشان می‌دهد که نماینده قراردادی و ثالث طرف معامله، در صورت تصرف مال در مقابل اصیل، در حکم غاصب تلقی می‌گردند و براساس قاعده «علی الید ما اخذت حتی تودیة»، هر دو ضامن عین و منافع مستوفات و غیرمستوفات هستند و حتی در مقابل اصیل، میان علم و جهل ثالث طرف معامله تفاوتی وجود ندارد و اگر ثالث طرف معامله به هر دلیلی، نسبت به سوءنیت و سوءاستفاده نماینده قراردادی ناآگاه باشد، پس از جبران خسارات در مقابل اصیل، صرفاً می‌تواند از باب قاعده غرور، به نماینده مراجعه نماید.

گرچه دکترین در خصوص مطلب فوق اتفاق نظر دارند و نظر خلاف به چشم نمی‌خورد، اما به نظر می‌رسد در باب ضمان ثالث طرف معامله در مقابل اصیل، می‌بایست بین فرض علم و جهل قائل به تفصیل شد. در حالتی که ثالث طرف معامله به هر دلیلی (حتی جهل مرکب)، نسبت به سوءنیت نماینده قراردادی آگاهی ندارد و با حسن نیت وارد معامله می‌گردد، اینکه او را در حکم غاصب بدانیم، هم از لحاظ علمی و هم نظری چندان قابل توجیه نیست. زیرا اولاً یکی از شرایط تحقق غصب و اعمال ضمانت اجراهای آن، عدوان است. این در حالی است که در خصوص ثالث طرف معامله که از روی ناآگاهی و با حسن نیت وارد معامله با نماینده قراردادی شده است، عدوان قابل تصور نیست. ثانیاً مراجعه به قوانین و مقررات نشان‌دهنده آن است که میان ضمانت اجرای غصب و در حکم غصب تفاوت‌هایی وجود دارد.

براین اساس، باید گفت در مواردی که ثالث طرف معامله، از روی ناآگاهی و با حسن نیت، اقدام به معامله با نماینده قراردادی با سوءنیت نموده است، در صورت رد معامله از جانب اصیل، ثالث صرفاً در حالتی که مورد معامله را تصرف نموده باشد، ضامن رد عین مال و منافع مستوفات خواهد بود. از این رو، مسئولیتی در مقابل منافات غیرمستوفات، نقص و عیبی که در

بررسی تطبیقی وضعیت معاملات نماینده قراردادی با ... / کریمی و بازوکار ۱۷

اثر قوه قاهره و عوامل طبیعی حادث شده است، وجود ندارد و بحث تضامنی بودن مسئولیت مختص به غاصبین است و در اینجا قابل طرح نیست. همچنین ثالث طرف معامله، از باب ثمن و کلیه خساراتی که در اثر چنین معامله‌ای متحمل شده است، از باب قاعده غرور، حق مراجعه به نماینده را خواهد داشت.

مطابق نظام حقوقی فرانسه، اگر اصیل به استناد ماده ۱۱۵۷ قانون مدنی، حق استناد به بطلان نسبی را داشته باشد، دو فرض قابل طرح است. در حالت اول، اصیل ممکن است از اعمال این حق صرف نظر نماید که در این صورت، معامله نسبت به تمام طرفین صحیح و نافذ است. بنابراین در اینجا نیز همانند نظام حقوقی ایران، اصیل می‌تواند براساس قواعد عام مسئولیت مدنی و با اثبات تقصیر، ضرر و زیان احتمالی را از نماینده مطالبه نماید.

اما اگر اصیل به بطلان نسبی استناد نماید، معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت نه تنها آثارش را نسبت به آینده از دست می‌دهد، بلکه اثر بطلان به گذشته نیز سرایت نموده و قرارداد را از ابتدا فاقد هرگونه اثری می‌نماید، که در اصطلاح گفته می‌شود اثر بطلان عطف بماسبق می‌گردد. این اثر در فرضی که قرارداد اجرا نشده باشد، هیچ نمودی نخواهد داشت، اما هنگامی که تمام یا بخشی از قرارداد اجرا شده باشد، با عطف بماسبق شدن آثار بطلان، وضعیت طرفین باید به حالت پیش از انعقاد قرارداد بازگردد، به گونه‌ای که گویا اصلاً قراردادی وجود نداشته است.^۸ بنابراین نتیجه عطف بماسبق شدن آن است که هریک از اصیل و ثالث طرف قرارداد حق دارند براساس قاعده دارا شدن بلاجهت ثمن و موضوع معامله مسترد نمایند^۹ و در صورتی که در اثر تقصیر نماینده و یا ثالث طرف قرارداد، خسارتی متوجه اصیل شده باشد (همانند تفویت منافع، نقص عین مال)، اصیل می‌تواند براساس قواعد عام مسئولیت مدنی، به آنان مراجعه و مطالبه خسارت نماید.

۴. نتیجه‌گیری

بررسی قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که قانون‌گذار در خصوص وضعیت معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت سکوت نموده و صرفاً رعایت غبطه و مصلحت اصیل را به‌عنوان تکلیفی بر عهده نماینده قراردادی گذاشته است. با توجه به مطالبی که گذشت، گرچه

۸. سعید محسنی و سید محمد مهدی قبولی درافشان، «مفهوم و آثار بطلان نسبی»، مجله دانش و توسعه ۱۸، شماره ۳۳ (زمستان ۱۳۹۸): ۲۵۹.

۹. عباس کریمی و غلامرضا ایردپناه، «مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه»، دوفصلنامه تمدن حقوقی ۴، شماره ۸ (بهار و تابستان ۱۴۰۰): ۲۹۱.

حکم به بطلان چنین معاملاتی چندان دور از ذهن نیست و حتی مبانی نظری و عملی وجود دارد که این فرض را تقویت نماید، اما مصلحت عملی و مذاق قانون‌گذار حکم به عدم نفوذ را ترجیح می‌دهد. درخصوص مبانی این حکم نیز باید گفت، فقه، رویه و دکترین بالاتفاق، مبنای این حکم را عدم رعایت مقتضای عقد وکالت و یا خروج از حدود اذن می‌دانند که خالی از ایراد نیست. زیرا مقتضای عقد وکالت، برخلاف آنچه که بیان نمودند، امانت نیست، بلکه نایب گرفتن در انجام اعمال حقوقی و مادی است و رعایت امانت و مصلحت اصیل جزو آثار و از تکالیفی است که به موجب این عقد بر عهده نماینده گذاشته می‌شود. از طرف دیگر، اگر بگوییم که این امر خلاف اقتضای ذات وکالت است، شرط خلاف آن ممکن نخواهد بود، این در حالی است که شرط خلاف مصلحت و غبطه اصیل در عقد وکالت، صحیح به نظر می‌رسد. درخصوص تجاوز از حدود اذن نیز باید گفت، مواردی را می‌توان مثال زد که نماینده کاملاً در حدود اذن اما با سوءنیت رفتار نموده است.

به نظر می‌رسد مبنای این حکم را باید در خارج از قرارداد نمایندگی جست‌وجو نماییم. نماینده قراردادی به موجب عقد، حق اعمال و یا اجرای برخی از حقوق اصیل را کسب می‌نماید. حال اگر نماینده در حدود اختیارات و حقوق اعطایی عمل نموده باشد، اما در اعمال این حقوق سوءاستفاده نماید و یا با سوءنیت این حقوق را اعمال نماید، می‌توان با استناد به قاعده لاضرر و اصل لزوم وفا به تعهدات، قراردادهای منعقد از جانب نماینده قراردادی را که موجب تضییع یا آسیب گردیده است، تعدیل نمود و حکم به عدم نفوذ این دسته از معاملات داد.

بررسی نظام حقوقی فرانسه نیز نشان می‌دهد که ماده ۱۱۵۷ قانون مدنی صریحاً حکم معاملات نماینده قراردادی با سوءنیت را تبیین نموده و مطابق ماده مذکور، در صورتی که ثالث طرف معامله نسبت به سوءنیت نماینده آگاه باشد، اصیل می‌تواند به بطلان استناد نماید. بنابراین همان‌طور که مشخص است، نظام حقوقی فرانسه در صورت سوءنیت نماینده، به اصیل حق استناد به بطلان را داده است. همچنین نظام حقوقی فرانسه، در تبیین حکم معاملات نماینده قراردادی با سوءنیت، حفظ حقوق ثالث طرف معامله را مورد توجه قرارداده است. البته این بحث در حقوق ما نیز با اندکی تغییر قابل طرح است و چندان دور از ذهن نیست. اگر اوضاع و احوال هنگام انعقاد معامله به گونه‌ای باشد که برای ثالث طرف معامله، ظن نوعی و متعارف ایجاد گردد که نماینده در حدود اختیارات خویش و با حسن‌نیت اقدام نموده و خود اصیل نیز در ایجاد این ظن مؤثر باشد، این ظهور معامله صورت گرفته را تصحیح

بررسی تطبیقی وضعیت معاملات نماینده قراردادی با ... / کریمی و بازوکار ۱۹

می‌نماید و استناد به عدم نفوذ را منتفی می‌سازد. در این حالت، معامله نسبت به تمام طرفین صحیح است و اصیل نمی‌تواند به عدم نفوذ استناد نماید.

در خصوص آثار و جبران ضرر و زیان‌های ناشی از معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت باید گفت، نظام حقوقی ایران و فرانسه تقریباً احکام مشابهی دارند. در فرضی که معامله به واسطه جهل ثالث طرف معامله و یا ظهور مصحح، نسبت به تمام طرفین صحیح است، اصیل براساس قواعد عام مسئولیت مدنی، حق مراجعه به نماینده را خواهد داشت. اما در مواردی که اصیل حق استناد به بطلان نسبی و یا عدم نفوذ را دارد، دو فرض مطرح است: ۱. اصیل به بطلان نسبی استناد ننماید و یا معامله غیرنافذ را تنفیذ نماید، که در چنین صورتی، باز اصیل باید جهت مطالبه ضرر و زیان‌های احتمالی براساس قواعد عام مسئولیت مدنی، به مسئولین ورود خسارت مراجعه نماید. ۲. اصیل براساس نظام حقوقی فرانسه به بطلان نسبی استناد نماید، که در این بطلان اثر قهقهرایی خواهد شد و وضعیت طرفین معامله باید به پیش از انعقاد قرارداد بازگردد. در نظام حقوقی ایران نیز اگر اصیل معامله را رد نماید، ثالث طرف معامله صرفاً در حالتی که مورد معامله را تصرف نموده باشد، ضامن رد عین مال و منافع مستوفات خواهد بود. از این رو، مسئولیتی در مقابل منافع غیرمستوفات، نقص و عیبی که در اثر قوه قاهره و عوامل طبیعی حادث شده است، وجود ندارد و بحث تضامنی بودن مسئولیت مختص به غاصبین است و در اینجا قابل طرح نیست. همچنین ثالث طرف معامله، از باب ثمن و کلیه خساراتی که در اثر چنین معامله‌ای متحمل شده است، از باب قاعده غرور، حق مراجعه به نماینده را خواهد داشت.

در پایان، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ماده‌ای به شرح ذیل، جهت تبیین حکم معاملات نماینده قراردادی با سوء نیت در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی نماید:

«هرگاه نماینده از اختیاراتی که به موجب قرارداد نمایندگی به وی اعطا شده سوء استفاده نماید، معامله غیرنافذ است. مگر برای طرف معامله به واسطه اعمال اصیل، ظن معتبر حاصل شده باشد که نماینده در تصرفات و معاملات غبطه و مصلحت اصیل را رعایت نموده است.»

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- بازگیر، یدالله. قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور (وکالت و عقد ضمان و احکام راجع به آن‌ها). تهران: فردوسی، ۱۳۹۸.
- پاکباز، سیامک. شرح قانون مدنی فرانسه. تهران: نشر میزان، ۱۴۰۱.
- شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۵۸۵ مورخ ۲۶ آذر ۱۳۶۸.
- صفایی، سید حسین، و محمدهادی جواهرکلام. حقوق مدنی پیشرفته (وکالت، ودیعه، عاریه). تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
- قانون مدنی.
- کاتوزیان، ناصر. دوره مقدماتی حقوقی مدنی (عقود معین ۱). تهران: گنج دانش، ۱۳۹۷.
- کاتوزیان، ناصر. دوره مقدماتی حقوقی مدنی (عقود معین ۲). تهران: گنج دانش، ۱۳۹۷.
- کریمی، سحر. «وضعیت حقوقی معاملات مترتب بر معامله منفسخ شده: نقد رأی وحدت رویه شماره ۸۱۰ دیوان عالی کشور»، دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی ۲، شماره ۴ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲): ۱۳۰-۱۰۶.
- کریمی، عباس، و سحر کریمی. اندیشه‌هایی نو در حقوق قراردادهای. تهران: نشر دادگستر، ۱۴۰۱.
- کریمی، عباس، و غلامرضا ایزدپناه. «مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه»، دوفصلنامه تمدن حقوقی ۴، شماره ۸ (بهار و تابستان ۱۴۰۰): ۲۸۰-۲۹۳.
- محسنی، سعید، و سید محمد مهدی قبولی درافشان، «مفهوم و آثار بطلان نسبی»، مجله دانش و توسعه ۱۸، شماره ۳۳ (زمستان ۱۳۹۸): ۲۴۵-۲۷۱.

ب- منابع عربی:

- اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفایده والبرهان. العدد ۸، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.ق.
- جیلانی (قمی)، میرزا ابوالقاسم. جامع الشتات فی اجوبه السؤالات. العدد ۳، تهران: کیهان، ۱۳۷۱.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. العروة الوثقی. العدد ۶، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹.ق.
- طوسی، محمد بن حسن. مبسوط. العدد ۲، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۸۷.ق.
- طوسی، محمد بن حسن. الخلاف. العدد ۳، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.ق.
- مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی. دعائم الاسلام. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۳۸۵.ق.
- نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. العدد ۲۷، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲.ق.